

دوباره به یاد عصرهای خلوت خیابان ایرانشهر شمالی افتاده‌ام؛ عصرهای طولانی تابستان که به عشق خواندن نوشته‌های معلمان در اتاق کوچک گروه جغرافیای دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی می‌ماندیم و همان چایی کم‌رنگی را که در انتهای روز به شربتی گوارا تبدیل شده بود، با ولع و آرام‌آرام می‌نوشیدیم. حالا سی سال از آن زمان می‌گذرد؛ سال‌هایی که مصادف با دوران جوانی و آغاز کار معلمی من بود. پس از آن، بعد از دو سه سال مجله رشد جغرافیا پا به عرصه حیات گذاشت و به عنوان اولین مجله جغرافیا در نظام آموزش رسمی کشور منتشر شد. آن سال‌ها مسئولیت گروه جغرافیا را در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برعهده داشتیم و شور جوانی، تب و تاب دگرگونی‌های حاصل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و معلمان مشتاقی که در گوشه و کنار این کشور پهناور هر روز و هر هفته

با ما تماس می‌گرفتند و در استان‌ها به استقبالمان می‌آمدند، شعله‌های خدمت را در وجودمان شعله‌ورتر می‌ساخت. مجله را با این هدف منتشر کردیم که ارتباط بیشتری با دبیران برقرار کنیم و نشریه‌ای غنی و امیدآفرین برایشان فراهم آوریم.

معلمانی که اداره مجله را در دست گرفتند!

با همین آقای دکتر شایان خودمان که حالا سال‌هاست با علاقه‌مندی و پشتکار مجله را مدیریت و منتشر می‌کنند از طریق ارتباط با مجله آشنا شدیم و این توفیق نصیب ما شد که بتوانیم با فردی از جامعه معلمان آشنا و به عنوان مدیر آینده مجله از وجودشان استفاده کنیم. اولین نوشته آقای دکتر شایان به عنوان ترجمه‌ای از یک مقاله (از بولتن جغرافیای کاربردی و توسعه انستیتو همکاری‌های علمی توبینگن آلمان فدرال) با عنوان «آب‌های شیرین جهان؛ دیروز، امروز، فردا» در دومین شماره مجله رشد آموزش جغرافیا به چاپ رسید.^۱

کار در کنار مدیران سازمان لذت‌بخش بود!

همین ابتدا باید از نقش مؤثر آقای دکتر حداد عادل در شکل‌گیری مجلات رشد، به‌ویژه مجله رشد آموزش جغرافیا یاد کنم. ایشان در

سال‌های قشنگ معلمی و جغرافیا

خاطرات نخستین مدیر داخلی
مجله رشد آموزش جغرافیا



دکتر عبدالرضا فرجی‌راد



بخشی از پیش‌گفتار اولین شماره از مجله رشد آموزش جغرافیا درباره این مجله چنین نوشته بودند: ... همکاران گرامی! معلمانی که افسران خط مقدم جبهه مبارزه با جهل و عقب‌ماندگی هستید! رشد آموزش جغرافیا دستی است که از سوی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش صمیمانه به سوی شما دراز می‌شود؛ این دست را در دست خویش با گرمی بگیرید و بفشرد.

اکنون که ملت شما در جهان برای گسیختن زنجیرهای بندگی به پا خاسته و در شب ظلمانی دنیای ظلم و زور معاصر، همچون چراغی گیتی فروز می‌درخشد... همه ما مسئولیم. گمان ما این است که انتشار مجلات رشد، قدمی کوچک در راه دراز و دشوار مسئولیت عظیمی است که بر دوش داریم. توفیق شما را نیز در ایفای وظیفه خطیری که به عنوان معلم در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران و در انقلاب اسلامی برعهده دارید از خداوند قادر متعال خواهیم.

کار در کنار مدیران سازمان لذت‌بخش بود. آقای دکتر حداد به جز علاقه‌مندی به این حوزه و مجله، دقت و حساسیت خاصی در مورد محتوا و تصاویر به کار گرفته شده در مجله داشتند. یکی از روزها به دفتر گروه که مجله در آن تهیه می‌شد آمدند و ضمن احوال‌پرسی و خسته نباشید به اعضای گروه، به من گفتند: فرجی! این تصویر روی جلد خیلی مناسب نیست، موضوع چیست؟ عکس مناسب‌تری نداریم؟ عرض کردم این عکس مستند و مربوط به یکی از مساجد کشور افغانستان است و با توجه به موضوع جنگ‌های متوالی و خرابی‌های به‌وجود آمده، عکس بهتری نداریم (تصویر مربوط به یکی از مساجد کشور افغانستان بود که چندتا از آجرهای آن افتاده بود). آقای حداد گفتند: مساجد و اماکن مذهبی در دین مبین اسلام، زیباترین، باشکوه‌ترین و قشنگ‌ترین جاها هستند. ما هم باید از تصویری استفاده کنیم که بازگوکننده همین امر باشند. شاید واقعیت مساجد کشوری که درگیر جنگ و خرابی است این تصویری باشد که شما استفاده کرده‌اید، منتها بهتر است تلاش کنید تا تصویر جذاب‌تر و چشم‌نوازتری را برای جلد مجله که نقطه اول دید مخاطب و ورودی به باغ مصفای مطالب آن است فراهم کنید. این دقت‌نظر ایشان و اینکه با وجود مشغله‌های فراوان به عنوان معاون پژوهشی وزیر به این نکته‌های ریز اما مهم و تأثیرگذار توجه داشتند برای من خیلی جالب بود.

انقلاب فرهنگی فرصت خوبی را برای بهره‌گیری از اساتید جغرافیا فراهم کرد

ما در آن دوران شرایط ویژه‌ای را به لحاظ اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تجربه می‌کردیم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی اولیه مسئله‌ای که در حوزه تعلیم و تربیت مورد توجه قرار گرفت، تغییرات اساسی در تألیف کتاب‌ها و آموزش عمومی کشور بود که در واقع مسئولیت آن برعهده سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی قرار داشت. خوشبختانه افراد آگاهی مانند آقای دکتر حداد عادل که این حوزه فرهنگی را به خوبی می‌شناختند و حتی قبل از انقلاب هم در این زمینه فعالیت‌های

مؤثری داشتند، این امر را برای تغییرات اساسی در کتاب‌های درسی به خوبی هدایت کردند و در کنار آن برای تکمیل محتوای کتاب‌های درسی که به‌طور طبیعی و به دلیل محدودیت‌های خود نمی‌توانستند پاسخگوی همه نیازهای معلمان و دانش‌آموزان باشند، به نشریات کمک آموزشی هم توجه ویژه‌ای شد. در این میان، مجلات تخصصی رشد و از جمله مجله رشد آموزش جغرافیا که بنده در کنار مرحوم آقای دکتر شکویی، مدیرمسئولی آن را برعهده داشتیم به دلیل ارتباط با معلمان از اهمیت خاصی برخوردار شدند.

آن دوران مصادف با بحث انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها بود و ما توانستیم از وجود بسیاری از اساتید مبرز و شاخص در رشته جغرافیا در دانشگاه‌های کشور (از جمله آقای دکتر گنجی که از اساتید بنام جغرافیا در کشور هستند و فرصت پرداختن به این‌گونه امور را پیدا کرده بودند) برای غنی ساختن مجله بهره ببریم.

رشد آموزش جغرافیا، گمشده معلمان بود

جالب است که در آن شرایط مجله رشد آموزش جغرافیا به سرعت مورد استقبال دبیران قرار گرفت و این عزیزان مانند آنکه گمشده‌ای را یافته باشند گرد این شمع حلقه زدند و ما در همان شماره‌های اول با انبوه معلمانی روبه‌رو شدیم که خواهان مجله یا خواستار چاپ و انتشار آثارشان (که حقیقتاً بسیاری از این مقالات دارای شرایط چاپ در مجله بود) شدند. زمانی که برای اولین بار بخشنامه‌هایی صادر و به معلمان ابلاغ شد که آموزش و پرورش در نظر دارد، در تهیه کتاب‌های درسی استان‌ها و مجلات رشد از قلم، وجود، تجربه و دانش آنان بهره بگیرد استقبال زیادی از این امر صورت گرفت و در همین زمینه ما سمیناری را در باشگاه فرهنگیان (در خیابان کاشان) با حضور سرگروه‌های جغرافیا و دبیران علاقه‌مند از سراسر کشور تشکیل دادیم و حدود سیصد نفر از این عزیزان در آن سمینار شرکت کردند و بعدها نیز همین گروه و بقیه معلمان علاقه‌مند نقش مهمی را در استمرار و توسعه مجله و غنی کردن محتوای آن برعهده گرفتند.

خاطرم هست که پس از برگزاری این سمینار بسیاری از معلمان جغرافیا از سراسر کشور با ما تماس گرفتند و حتی برخی از معلمان نزدیک به تهران با مراجعه حضوری خواهان همکاری با مجله شدند که ما با برنامه‌ریزی و هماهنگی با گروه جغرافیا از وجود بسیاری از آنان در تألیف کتاب‌های جغرافیای استان‌ها یا تهیه محتوای مجله استفاده کردیم. برخی از این عزیزان هم که فرصت همکاری مستقیم را نداشتند پس از دریافت مجله با ما تماس می‌گرفتند و ضمن بیان نقاط قوت و ضعف، برای انتشار مداوم و با محتوایتر مجله به ما روحیه و انگیزه می‌دادند.

معلم باید در همه صحنه‌های آموزش و پرورش حاضر باشد
ایام خوبی بود. از اینکه فرصتی فراهم شده بود تا معلمان بتوانند در اموری که به خودشان مربوط است دخالت کنند و محصول کار

استان هاست.

ما برای اینکه گروه‌های آموزشی جغرافیا را بیشتر انسجام ببخشیم و مجله رشد آموزش جغرافیا را بهتر و بیشتر معرفی کنیم تا معلمان با شناخت بیشتری با آن ارتباط برقرار کنند، در همه استان‌ها جلساتی را چهره به چهره با معلمان و مدیران برگزار می‌کردیم.

کتابی که مسیر خدمتم را عوض کرد!

توفیق داشتم که برای اولین بار در ایران، کتاب **جغرافیای کشورهای مسلمان** را که تا آن تاریخ سابقه نداشت بنویسم. این کتاب سیاست را وارد جغرافیا کرد. این موضوع حتی در دانشگاه‌ها بی سابقه بود که استاد یا شاگردی سیاست را وارد جغرافیا کرده باشد. این کتاب در زمان خودش بسیار سروصدا کرد و برای اولین بار به صورت رنگی و همراه با تصاویر مناسب از جغرافیای کشورهای مسلمان به چاپ رسید. آن زمان تصویری از زندگی مردم مسلمان نیجر، گینه بیسائو، جیبوتی و دیگر کشورهای مسلمان که حتی کمتر کسی نام آنها را شنیده بود بسیار جذاب بود و مورد توجه قرار گرفت.

دلیل اصلی انتقال من به وزارت امور خارجه همین کتاب بود. یعنی با وجود مخالفت آقای دکتر حداد عادل و آقای دکتر اکرمی (وزیر وقت آموزش و پرورش) من در سال ۱۳۶۵ با اصرار آقای دکتر ولایتی (وزیر وقت امور خارجه) و کسب موافقت آقایان دکتر حداد و دکتر اکرمی به آن وزارتخانه منتقل شدم. البته براساس تعهدی که داشتم تا دو سال بعد امور مربوط به مجله رشد آموزش جغرافیا را ادامه دادم.

البته همان زمان هم که کارشناس گروه جغرافیا بودم، کلاس‌هایی در مورد جغرافیای کشورهای مسلمان در وزارت امور خارجه برگزار می‌شد که من در این کلاس‌ها برای آقایان سفرا تدریس می‌کردم. قبل از آن هم در استان مرکزی دبیر بودم که در زمان مسئولیت آقای دکتر محمد رجبی به دلیل تجربیاتی که داشتم به سازمان پژوهش منتقل شدم.

تدریس کتاب جغرافیای کشورهای مسلمان، به خصوص بخش‌های جغرافیای سیاسی آن و به‌ویژه برای خانم‌ها مشکل بود و نیاز داشتند تا بنده با حضور در استان‌ها به سؤالات و مشکلات آنها پاسخ دهم.

دربار ما آن زمان، وقتی که متوجه شدند گروه جغرافیا در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در نظر دارد با همکاری خودشان کارهای ماندگار و اساسی انجام دهد، بدون هیچ چشم‌داشت و توقع مادی و غیرمادی، پا پیش گذاشتند و به یاری ما آمدند.

در استان‌ها، میهمان خانه گرم معلمان بودیم

خیلی اوقات در استان‌ها معلمان اجازه نمی‌دادند ما در هتل یا میهمان‌سرا مستقر شویم. خوب به‌خاطر دارم که همکار معلمان که گمان می‌کنم آقای آل معصوم نام داشتند، در استان چهارمحال و بختیاری ما را به گوشه‌گوشه استان بردند و در منزل شخصی خودشان از ما پذیرایی کردند و با وجود اصرار ما اجازه ندادند به هتلی که برای

خودشان را ببینند لذت می‌بردیم. به‌خوبی به‌یاد دارم در سفرهای زیادی که به استان‌ها داشتیم، گاهی گروهی از معلمان در بدو ورود به استان به استقبال ما می‌آمدند. اصلاً باید صحنه آموزش و پرورش همین‌گونه باشد که معلم خود را در تمام صحنه‌ها حاضر و دارای سهم و اثر ببیند. شاید حالا به دلیل شرایط اجتماعی و مشغله‌های فراوان زندگی شهری فرصت این‌گونه ارتباطات کم شده باشد، ولی خیلی مهم است که معلمان در صحنه کارهای مربوط به خودشان حضور داشته باشند.

یاد یاران سفر کرده به خیر!

صحبت از سفرهای استانی شد و باید در این‌جا از دو دوست و یاور همیشگی گروه جغرافیا، مرحوم آقای وحدانی تبار و آقای شیخ‌الاسلامی یاد کنم. این عزیزان با علاقه‌مندی در همه سفرهای استانی در کنار ما بودند و نقش مهمی در برقراری ارتباط با معلمان و تهیه محتوای مجله داشتند. روحشان شاد و یادشان گرامی باد.

ارتباطات و دریافت مقالات و مطالب ارسالی معلمان از سراسر کشور به‌گونه‌ای بود که ما برای انتخاب و چاپ همه مقالات با محدودیت صفحه روبه‌رو بودیم. اعتقاد من این است که دبیران ما در آن زمان به لحاظ تسلط بر کار خود و نوشتن، چیزی از اساتید بنام و مطرح جغرافیا کم نداشتند و الآن هم اگر زمینه‌های مناسب را فراهم کنیم همین‌گونه است.

آن روزها برای تهیه کتاب‌های جغرافیای استان‌ها، ارتباط با معلمان برای نوشتن در مجله رشد آموزش جغرافیا و همچنین کتاب جغرافیای کشورهای مسلمان (که این‌جانب نگاشته بودم) به تمامی استان‌ها سفر کردم و به چشم خود دیدم که معلمان ما و حتی دانش‌آموزان ما چه استعداد و پتانسیل عظیمی برای نوشتن و پیشرفت دارند.

با معلمان به همه جای ایران سفر کردیم

یکی از افتخارات زندگی من این است که در آن زمان چنین فرصتی نصیب شد تا تمامی جغرافیا و مردم کشورم را از نزدیک ببینم. من با کشورم در شرایطی آشنا شدم که متخصصان جغرافیا در هر نقطه از این کشور پهناور با دلسوزی و علاقه و با آگاهی کامل از وضعیت زیست‌بوم خود، همراه و یاورم بودند.

دبیران جغرافیا در تهیه عکس از مناظر جذاب و شاخص استان خود با ما همکاری‌های نزدیک و صمیمانه‌ای داشتند. شما در اولین شماره مجله رشد آموزش جغرافیا و در عکس پشت جلد مجله با تصویری از یکی از جزایر صخره‌ای دریاچه زیبای ارومیه روبه‌رو می‌شوید که با کمال تأسف شاید اکنون به دلیل خشکی بخشی از دریاچه به آن شکل وجود نداشته باشد.^۳

در شماره ۲ مجله، عکس پشت جلد به کویر زیبای مصر، در شماره ۳ به مرداب سرسبز انزلی و در شماره ۴ به منظره‌های بهاری از قلّه دماوند و دامنه‌های سرسبز آن اختصاص داشت و همه اینها نشانه توجه ما به سراسر کشور پهناور ایران و استفاده از وجود معلمان و هنرمندان گرامی

اسکان در نظر گرفته شده بود برویم و فراموش نمی‌کنیم که این ویژگی‌ها خاص فرهنگ اصیل اسلامی و ایرانی ما ایرانیان است. به گمانم این عزیزان حالا بازنشسته شده باشند، ولی هنوز هم آرزوی یک دیدار دیگر با آنان را، در سینه دارم.

حضور معلمان، مجله را به گام صدم رساند

به نظرم رمز ماندگاری مجله رشد آموزش جغرافیا و رسیدن آن به گام صدم همین ارتباطات دوستانه، بی‌شائبه و صمیمانه با معلمان بود و باید هم چنان برای ادامه انتشار آن به این موضوع توجه ویژه داشت. در حال حاضر هم خبر دارم که گروه جغرافیای سازمان پژوهش همان راه را ادامه می‌دهد و از طریق کتاب‌های درسی و رشد آموزش جغرافیا، ارتباطش را ادامه می‌دهد ولی هنوز هم افسوس می‌خورم که نتوانسته‌ایم از همه پتانسیلی که در این زمینه وجود دارد استفاده کنیم. کاش ما یک انجمن علمی دبیران جغرافیا داشتیم تا با زمینه‌های ارتباطی که در حال حاضر فراهم شده است این عزیزان ارتباط بیشتری با هم داشتند. البته هنوز هم دیر نیست و اگر دوستان ما در سازمان پژوهش پیشگام این امر شوند بنای خیری را پایه خواهند گذاشت که بهره‌اش به این نسل و نسل‌های آینده خواهد رسید.

روزی که علیه ما تظاهرات شد!

گاهی هم تلاش‌های ما و کمک و پی‌گیری دوستان در استان‌ها و در نتیجه درج اطلاعات درست و دقیق در کتاب‌های جغرافیای استان‌ها، موجب وقوع ماجراهای جالبی می‌شد که به یک نمونه آن اشاره می‌کنم. آن اوایل برخی از استان‌ها برای دریافت کوپن بیشتر برای استان خود آمارهای خاصی را به مراکز متولی صدور و تقسیم کوپن‌ها ارائه می‌کردند. یکی از روزها شنیدیم که در یکی از استان‌ها علیه گروه و کتاب جغرافیا و تهیه‌کنندگان آن، تظاهرات کرده‌اند. ظاهراً با ارائه آمار دقیق کتاب جغرافیای آن استان خاص که سندیت داشت و مبتنی بر آمارهای دقیق وزارت کشور بود، در اختصاص کوپن به آن استان تجدیدنظر و باعث اعتراض شده بود.

توفیقات دوران خدمتم را مدیون تجربیات و یافته‌های دوران معلمی هستم

همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردم، با وجود علاقه‌ای که به سازمان جغرافیا و همکاران خویم داشتیم در سال ۱۳۶۵ به وزارت امور خارجه منتقل شدم و دلیل آن را هم که احساس شد می‌توانم در این وزارتخانه در زمینه آموزش و انجام وظیفه به عنوان سفیر در برخی کشورها مفید باشم، همان تجربیات و یافته‌های دوران معلمی می‌دانم. با توجه به اینکه نایب رئیس انجمن ژئوپلیتیک ایران هستم، الآن هم اگر سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی هر کمکی برای تأسیس کانون معلمان بخواهد، با کمال میل حاضرم انجام دهم. از دبیران

محترم آموزش و پرورش هم (چه بازنشسته و چه شاغل) برای عضویت در انجمن ژئوپلیتیک ایران دعوت می‌کنم.

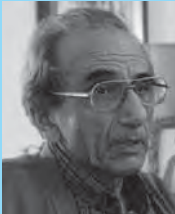
امیدوارم برکات این هم‌نشینی نصیب معلمان شود

تجربه چندین و چندساله من گویای این نکته است که ما و شما با داشتن معلمان و دبیران، هیچ‌گاه نباید از کار کردن و خدمت به این عزیزان خسته شویم. قدر این سرمایه بزرگ را که در اختیار ماست بدانیم و از آن بهره‌بریم.

از ابتکاری هم که برای برگزاری جشن انتشار صدمین شماره مجله رشد آموزش جغرافیا به کار بسته‌اید، به سهم خودم تشکر می‌کنم و امیدوارم برکات این هم‌نشینی مانند همیشه نصیب صاحبان اصلی این مجله یعنی معلمان شود.

پی‌نوشت

۱. رشد آموزش جغرافیه، سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۶۴، ص ۴۸-۵۹.
۲. رشد آموزش جغرافیه، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۶۴، ص ۶.
۳. مجله رشد آموزش جغرافیا، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۶۴.



پرویز کردوانی
دکتر
دانشگاه محل
تحصیل: آلمان
دانشگاه محل کار:
تهران
نمونه‌ای از آثار:
کتب و مقالات متعدد



سید رحیم مشیری
دکتر
دانشگاه محل
تحصیل: آلمان
دانشگاه محل کار:
آزاد اسلامی
نمونه‌ای از آثار:
کتب و مقالات متعدد